

بررسی عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهرها به روش داده بنیاد (مورد مطالعه: کلانشهر تهران)

اسکندر مومنی^۱، شهرام نامی ملایی^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور شهری دانشگاه تهران

(نویسنده مسئول):

شهرام نامی ملایی

چکیده

بزهکاری از جمله اساسی ترین مشکلات شهرها به خصوص کلانشهرهاست. وجود افراد مختلف با تفاوت های بسیار در کلانشهرها، زندگی جمعی را با مخاطرات زیادی از جمله ناهمگونی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رو برو کرده است. یکی از پیامدهای مخرب این ناهمگونی ها، ناهنجاری های اجتماعی و جرائم است که نسل جوان به علت کم تجربه بودن در برابر آن آسیب پذیرترند. در این تحقیق در صدد بررسی و کشف عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران هستیم. تحقیق حاضر از نظر هدف، بنیادی و با جهت گیری اکتشافی از نوع کیفی است. استراتژی مورد استفاده در این تحقیق، نظریه پردازی داده بنیاد کلاسیک می باشد. مبتنی بر روش تحقیق انتخاب شده در این پژوهش از روش نمونه گیری هدفمند قضاوتی استفاده گردید که در آن تارسیدن به اشباع نظری نمونه گیری ادامه یافت و با ۲۱ نفر از خبرگان مصاحبه بدون ساختار صورت گرفت. داده ها در سه مرحله باز، محوری و انتخابی کدگذاری شد و در پایان مدل نهایی تحقیق استخراج گردید. در مرحله کدگذاری باز ۱۸۲ کد توسط پژوهشگران استخراج شد که در مرحله کدگذاری محوری در قالب شصت و چهار مفهوم، پانزده مقوله فرعی و پنج مقوله اصلی سازماندهی گردید. پنج مقوله اصلی شامل ابعاد فردی، خانواده، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیای زندگی است. همچنین جنسیت به عنوان متغیر تعدیلگر شناسایی گردید. یافته های تحقیق حاکی از آن است که ابعاد اصلی شناسایی شده در تحقیق می توانند به عنوان عوامل زمینه ساز بر افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران تاثیرگذار باشند. همچنین میزان این تاثیرات با توجه به جنسیت متفاوت است.

واژگان کلیدی: جرم، جوانان، کلانشهر تهران، روش داده بنیاد

مقدمه

امروزه با تغییر سبک زندگی و رشد شهرنشینی، بویژه در کشورهای جهان سوم که با افزایش ناهنجاری های شهری همراه بوده است، زندگی شهروندان دچار مشکلات فراوانی شده است. افزایش کلانشهرها در قرن حاضر نشان از تمایل انسان ها به زندگی در شهرهای با امکانات بیشتر است، البته به موازات افزایش جمعیت کلانشهرها، مشکلات نیز در این شهرها افزایش می یابد، وجود افراد مختلف با تفاوت های بسیار در کلانشهرها زندگی جمعی را با مخاطرات زیادی رو برو می نماید.

در قرن حاضر ویژگی کلانشهرها تمرکز امکانات است که به تبع آن باعث افزایش شدید جمعیت این مناطق گشته است. در کشورمان نیز کلانشهر تهران با دارا بودن نزدیک به ۹ میلیون جمعیت، بزرگترین کلانشهر ایران و جزء کلانشهرهای بزرگ جهان است. این رشد افزایش جمعیت و ناهمگونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده در آن بر رفتار ساکنین کلانشهرها به خصوص جوانان تاثیر بسزایی دارد. یکی از پیامدهای مخرب این ناهمگونی ها، ناهنجاری های اجتماعی و جرائم است که نسل جوان به علت کم تجربه بودن در برابر آن آسیب پذیرترند. همچنین گسسته شدن پیوندهای عاطفی اعضای خانواده در کلانشهرها که به نوعی حاصل صنعتی شدن این شهرهاست بر روحیه جوانان تاثیرگذار است. اتفاق نظر وجود دارد که جرائم با گذشت زمان و تبدیل شدن به معضلات اجتماعی، مانند سدی جلوی پیشرفت جوامع را می گیرند. در صورت عدم توجه به عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم توسط جوانان به عنوان سرمایه های اصلی پیشرفت کشور، آینده کشور دستخوش تغییرات منفی زیادی خواهد شد. در صورت عدم مراقبت و آگاهسازی جوانان نسبت به عوامل زمینه ساز بروز جرائم و به دام افتادن این سرمایه های ارزشمند در دام ارتکاب بزهکاری، در آینده به جای بهره مند شدن کشور از این نیروهای با ارزش، با بزهکارانی حرفه ای رو به رو هستیم که شاید دیگر امیدی به اصلاح آنان وجود ندارد. آمارها نشان می دهد در صورت ارتکاب جرائم توسط جوانان، با توجه به نگاهی که جامعه به آنان پیدا می کند بازگشت این سرمایه های با ارزش به جامعه سخت شده و به نوعی به آنان برچسب مجرم بودن می خورد. به یقین انجام پژوهش های علمی و شناسایی عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم توسط جوانان می تواند از گرفتار شدن این منابع آینده ساز و بی جایگزین کشور جلوگیری کرده و فرصت شکوفایی استعدادهای این جوانان را مهیا نماید.

ضرورت تحقیق

دغدغه امنیت، همزاد اندیشه بشری است. امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک جامعه و زمینه ساز رشد، توسعه و ثبات آن محسوب می گردد. شکوفایی اقتصادی یک جامعه، سرمایه گذاری، برنامه ریزی برای توسعه، پیشرفت و هرگونه فعالیتی که می تواند عاملی موثر برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سایر ابعاد جامعه باشد، همه در سایه استقرار امنیت می باشند. در واقع امنیت از مهم ترین اهداف، منابع و ارزش های اصولی پایدار جامعه است و مهم تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. همان گونه که وجود امنیت امری لازم است، احساس امنیت هم به اندازه وجود آن لازم، حتمی و ضروری است (حسینی نثار و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱). به یقین وقوع جرائم در جامعه تاثیر مستقیمی بر احساس امنیت شهروندان دارد و همین احساس ناامنی می تواند زمینه ساز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... گردد.

حال اگر این جرائم توسط جوانان صورت گیرد علاوه بر احساس ناامنی در هر حال نوعی بد بینی و نگرانی نسبت به آینده را نیز به دنبال خواهد داشت، زیرا آینده سازان هر جامعه ای جوانان آن جامعه هستند. چنانچه جوانان به جرم روی آورند این نگرانی وجود خواهد داشت که آینده سازان جامعه مجرمانی با تجربه و حرفه ای خواهند بود (ساعدی، هاشمی و عابدی، ۱۳۹۲: ۷۵). در این تحقیق در صدد هستیم تا با استفاده از نظر خبرگان، عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران را شناسایی نماییم. شناسایی و ارائه راهکارهایی جهت کاهش اثرگذاری این عوامل بر رفتار جوانان می تواند از بروز جرائم توسط این قشر ارزشمند که آینده سازان حقیقی این مرز و بوم هستند بکاهد و احتمال ارتکاب بزه را در این قشر به شدت کاهش دهد. به طور حتم ساخت آینده کشور بدون وجود جوانان توانمند امکان پذیر نیست. اولین قدم در این راه حفاظت و آگاهسازی جوانان در برابر عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم است که این کار همت پژوهشگران و مسئولین کشور را می طلبد.

مبانی نظری

- **جوانان:** در کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی از جوان و جوانی در نزد برنامه ریزان امور جوانان وجود دارد. برای نمونه، جوانان در جمهوری اسلامی ایران گروه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال، در اتریش گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، در مالزی گروه سنی زیر ۴۰ سال و در تایلند گروه سنی صفر تا ۳۵ سال تعریف شده اند (صادقیان، اسدی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۲: ۵). در این تحقیق بر مبنای تعریف کشورمان، سن جوانی بین ۱۴ تا ۲۹ سال لحاظ شده است.

- **جرم:** از نظر جامعه شناسی، جرم یک نوع رفتار غیرعادی تلقی می شود که آن عمل، صور مشخص و قدرتمندی از وجدان جمعی را نادیده انگارد و درصدد از میان بردن و یا تضعیف آن برآید. در جوامع بدوی و ایستا، یعنی جوامعی که در آنها قوانینی مکتوب و مدون وجود نداشت، جرم عبارت بود از تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط اجتماعی و کسی که مرتکب جرم می شد و یا عمل خلافی انجام می داد، با تقبیح شدید اجتماعی مجازات و سرزنش می شد که این تقبیح و عکس العمل های اجتماعی، امروزه منشأ پیدایش، تغییر و تکامل قوانین جزائی امروزی است (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۸). در کشورمان طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، جرم به فعل یا ترک فعلی گفته می شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.

در رابطه با علل گرایش به جرم نظریات متعددی مطرح شده است که برخی از مهمترین آنان شامل نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه انتخاب عقلایی، نظریه کنترل اجتماعی، نظریه بی سامانی اجتماعی و نظریه برچسب زنی است که در ادامه این نظریات توضیح داده می شود:

نظریه انتخاب عقلانی: نظریه انتخاب عقلانی مبتنی بر رویکرد هزینه - فایده بوده و بیان می کند که افراد، همواره کنش های خود را بر مبنای معیار هزینه - فایده تحلیل می کنند و اصولاً زمانی تن به اقدام مجرمانه می دهند که منافع حاصل از آن بر هزینه هایش فائق آید. به عبارت دیگر، بزهکاری به مثابه اقدامی غیرقانونی، در بردارنده هزینه هایی برای افرادی است که به آن مبادرت می ورزند (کرنیش و کلارک^۱، ۱۹۸۶: ۱۶).

نظریه کنترل اجتماعی: امیل دورکیم^۲ معتقد است که هنجارها و معیارهای سنتی در جوامع مدرن متزلزل می شوند بدون آنکه هنجارها و معیارهای تازه ای جای آنها را بگیرند. هرگاه معیارهای روشن و شفاف برای هدایت افراد در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد، آنومی پدید می آید. به نظر وی، بی هنجاری وقتی به وجود می آید که در حوزه معینی از زندگی اجتماعی معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. او همچنین بیان می کند که تضعیف الزام ها و فشارها سبب می شود تا افراد به حال خود رها شوند. لذا آرزوهای نامحدود افراد، لجام ها را گسسته و فشارهایی را بر افراد وارد می کند تا به رفتارهای کج روانه دست بزنند. به نظر دورکیم، علت اصلی تحقق آنومی تحولات شتاب زده اقتصادی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷: ۳۲۶).

نظریه برچسب زنی: از نظر هاوارد بکر^۳، مفهوم مجرم تعریفی است که جامعه می سازد. منظور او، این است که گروه های اجتماعی با ساختن قوانینی که خدشه دار کردن آنها کج رفتاری محسوب می شود، مفهوم کج رفتاری را می سازند. در عین حال، این قوانین را در مورد افراد خاصی به کار می گیرند و به آنها برچسب بیگانه می زنند. از این نظر، جرم، کیفیت عملی که واقع شده، نیست، بلکه پیامد اعمال آن قانون توسط دیگران نسبت به فردی است که مرتکب آن شده است. در این معنا مجرم کسی است که این برچسب به شکل موفقیت آمیزی در مورد او به کاربرده شده است و جرم نیز رفتاری خواهد بود که دیگران به همین شکل بر آن برچسب زده باشند. مطابق این دیدگاه، زمانی که بر

1. Cornish & Clark
2. Emile Durkheim
3. Howard S. Becker

چسب مجرم بودن به طور موفقیت آمیز بر فرد وارد می شود و هنگامی که عمل برچسب زنی صورت می گیرد، بد نام کردن نیز اتفاق می افتد. برای نمونه یک برچسب منفی ممکن است تحت عنوان «بزهکار نوجوان» معرفی شود. آن هم تنها به این خاطر که ادعا شده است وی کلاسی را از یک مغازه دزدیده است و با وارد آمدن برچسب منفی، نام فرد مورد نظر در معرض لکه دار شدن قرار می گیرد؛ بنابراین افراد دیگر در برابر آن شخص، با توجه به عنوان برچسبی که به او زده اند، بدون توجه به آنکه آن فرد در حقیقت امر و در زندگی واقعی خود چه رفتاری را انجام می دهد و دارای چه قابلیت های مثبت دیگری می باشد، واکنش نشان می دهند. در طول زمان، اگر یک برچسب منفی به فردی اطلاق شود، این امکان وجود دارد که فرد به برچسب جدید خود اعتقاد پیدا کند و حتی هویت خود را تغییر دهد تا متناسب با این برچسب جدید گردد. یک نتیجه عمده بدنامی، آن است که افرادی که برچسبی منفی خورده اند، نه تنها در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل، بیگانه قلمداد شده اند و در نتیجه به هم نشینی با آنان ترغیب می شوند؛ همنشینی ای که معمولاً در چهره خرده فرهنگ های مجرمانه جلوه گر می شود (حسینی و متولی زاده نائینی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

نظریه یادگیری اجتماعی: یکی از نظرات مورد توجه در حوزه جرائم، نظریات یادگیری اجتماعی است. نظریات یادگیری اجتماعی، کجروی را پدیده ای می دانند که اشخاص آن را در خلال شیوه های متفاوت یادگیری فرا می گیرند. آنها معتقدند که جرم همانند دیگر رفتارها در اثر یادگیری هنجارها، ارزش ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت مجرمانه آموخته می شود. یکی از قوی ترین نقاط نظریه یادگیری این است که بر یگانگی افراد تأکید دارد و اعتقاد دارد که ممکن است افراد به دلایل متفاوت مرتکب جرم یا بزهکاری مشابه شوند. به این دلیل انگیزه ها و انتظارات هر کس را بر اساس تجربیات وی می سنجند (صادقیان، اسدی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۲: ۴۹). با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی، عوامل موثر بر افزایش گرایش جوانان به جرم می تواند با توجه به تجربیات و خصوصیات آنان بسیار گسترده باشد، به طوری که هر جوانی (حتی در یک منطقه جغرافیایی مانند کلانشهر تهران) جهت ارتکاب جرم می تواند دلایل منحصر بفردی داشته باشد. این نظریه دلیلی بر انتخاب روش کیفی جهت انجام برخی تحقیقات است.

نظریه ی بی سازمانی اجتماعی: نظریه ی بی سازمانی اجتماعی، جرم و خشونت را ناشی از بی سازمانی محلات می داند. بر طبق این نظریه پایین بودن کنترل اجتماعی غیر رسمی در محلات، کاهش همبستگی اجتماعی، ناهمگونی جمعیت، پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد محله موجب افزایش جرم و خشونت می شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۶).

نظریه آشوب و ارتباط آن با جرم شناسی

نظریه آشوب نیز یکی از نظراتی است که گرچه به طور مستقیم در حوزه ارتکاب جرائم نیست ولی باعث فهم بهتر نسبت به تأثیر جرم بر جامعه می شود. نظریه آشوب، برای فهم نظام های پیچیده و آشوبناک که مشخصه هایی مانند غیرقابل پیش بینی بودن، غیرخطی بودن، حساس به شرایط اولیه و ... دارند، به کار گرفته می شود، بهترین مثال برای درک مشخصه های ذکر شده در بستر نظریه آشوب مثال "اثر پروانه ای" است مبنی بر اینکه بال زدن یک پروانه در آسیای شرقی می تواند منجر به طوفانی در آمریکای شمالی شود. در فضای حقوق کیفری و جرم شناسی، البته با کمی دقت، این بال های پروانه که بر رفتار انسانی تأثیر می گذارند و طوفانی به نام جرم را به راه می اندازند بسیار قابل لمس تر از مثال ذکر شده هستند. چه اختلافات خانوادگی غیر قابل اهمیتی که قتل های متعددی را رقم زده است^۱ و چه اشخاصی که یک تغییر کوچک در سرنوشتشان، تقدیر میلیون ها انسان را تغییر داده و هزاران مجرم و بزه دیده خلق کرده است^۲ (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۳۳). به یقین شناسایی عوامل موثر بر ارتکاب جرائم، تأثیر مستقیمی بر پیشرفت جامعه دارد.

۱. در سال ۱۳۹۵ جوانی ۲۶ ساله در فهرج کرمان به علت اختلافات زناشویی به خانه پدر همسر خود رفته و همه اشخاص حاضر در خانه (که ۱۰ نفر بوده اند) را غیر از همسر خود می کشد.

۲. هیتلر در جوانی دو بار برای ورود به دانشکده هنر اقدام می کند ولی هر دو بار مردود می شود. چه بسا اگر شرایط اولیه یک تفاوت کوچک می کرد و وی مشغول هنر نقاشی می شد دیگر نه جنگ جهانی رخ می داد و نه ...

مکتب جامعه شناسی شیکاگو

سابقه نگاه علمی به موضوع جرم در ارتباط با محیط های شهری، برای نخستین بار به مکتب جامعه شناسی شیکاگو بر می گردد. دانشمندان مکتب جامعه شناسی شهری شیکاگو، جرایم شهری را در محیط های شهری با توجه به ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف شهر بررسی کردند و بر این باور بودند که رفتار ساکنان شهری در قالب محیط های شهری قابل مطالعه است و ویژگی های فوق در جرم زایی منطقه تأثیر دارد (تقوایی، رفیعیان و رضوان، ۱۳۹۰: ۲۱). آنها در تبیین انحراف اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی (زبان، قومیت، مهاجرت، تراکم جمعیت و...) ارتباط داشت، تمرکز نمودند (پورموسوی، زنگنه شهرکی، احمدی فرد و عبدی، ۱۳۹۰: ۶۴). به یقین تأثیر این متغیرها بر جوانان به علت کم تجربگی، بیشتر است.

والتر میلر (۱۹۵۸) در زمینه جرم و جنایت در رابطه با شرایط اجتماعی چنین می نویسد: جوانان قشر پایین جامعه با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات، بیشتر در معرض زمینه های ارتکاب به جرم قرار می گیرند، چرا که این طبقه در آرزوی یک زندگی خوب، دستیابی به امکانات بهتر را غیر ممکن می دانند و خواه ناخواه به سوی انواع جرم ها کشیده می شوند (میلر، ۱۹۵۸ به نقل از پوراحمد و کلانتری، ۱۳۸۱: ۵۷).

در خصوص تحقیق حاضر، مطالعات مختلفی انجام گرفته که هر کدام بخشی از عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم را مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به برخی از آنان اشاره می شود:

قاسمی، صداقت زادگان، ملکشاهی و پنجستونی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نزاع فردی در بین جوانان شهر ایلام با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته به این نتیجه رسیده است که با افزایش سهم سرمایه اجتماعی، نزاع بین فردی کاهش چشم گیری را نشان می دهد.

پورسینا، زهراکار، کیامنش و محسن زاده (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان مدل مفهومی عوامل روانی- اجتماعی زمینه ساز ارتکاب جرم، ارائه یک مطالعه داده بنیاد با استفاده از طرح کیفی و با استفاده از روش سیستماتیک نظریه داده بنیاد (رویکرد استراوس و کوربین) انجام گرفته به این نتیجه رسیده اند که اعتیاد فرد، مراوده با دوستان مجرم، مجرم بودن والدین به عنوان شرایط علی و همچنین عوامل مداخله گر مانند نظارت ضعیف والدین، ترک تحصیل و اوقات فراغت نامطلوب است.

داودی دهاقانی، شمسانی و بارانی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان رابطه شبکه های اجتماعی مجازی با ارتکاب جرائم خشن که به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته به این نتیجه رسیده اند که بین شبکه های اجتماعی مجازی و ارتکاب جرائم خشن رابطه مثبت وجود دارد.

خواجه نوری و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی و جرم جوانان (مورد مطالعه جوانان شهر یزد) با استفاده از روش کمی و شیوه پیمایشی و با نمونه گیری از ۳۸۰ نفر از جوانان شهر یزد، به این نتیجه رسیده اند که در رابطه با بروز رفتارهای مجرمانه تفاوت معناداری بین دو جنس وجود دارد، همچنین بین طبقات شغلی والدین به لحاظ بروز رفتار مجرمانه جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

خرازانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان رابطه استفاده از فضای سایبر با گرایش دانش آموزان به خشونت که با روش توصیفی - پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته به این نتیجه رسیده است که نقش خانواده در کنترل گرایش به خشونت دانش آموزان بسیار موثر بوده و در رتبه اول قرار دارد، همچنین فضای خشونت طلبی در اینترنت و بازی های اینترنتی نیز در افزایش خشونت طلبی دانش آموزان موثر بوده و در رتبه های دوم و سوم قرار دارد.

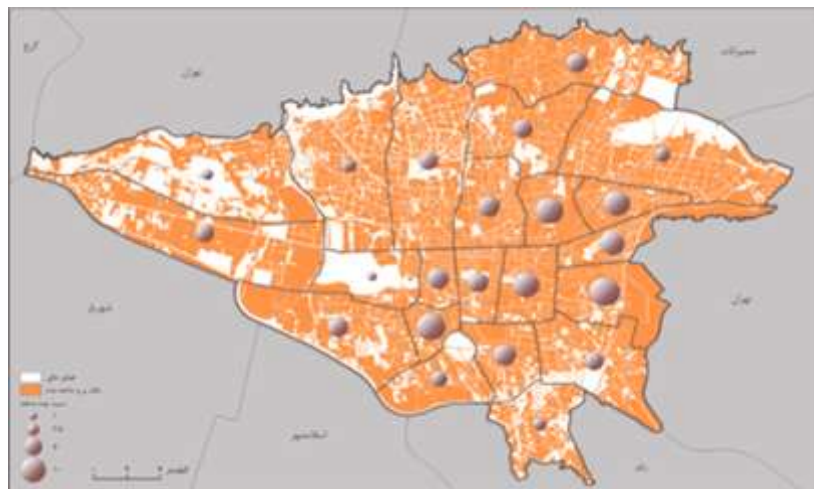
عباسی نژاد، صادقی و رضانی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در ایران، با بهره گیری از تحلیل اقتصادی جرم، رابطه بین ارتکاب جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی را بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که رابطه بین بیکاری و تورم با ارتکاب جرائم، مثبت و اثر تخریبی بیکاری بسیار شدیدتر از تورم است.

اوپوکواسیلی^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان نابرابری درآمد: تاثیر مقیاس های نابرابری بر جرم (مورد مطالعه نیوجرسی آمریکا) به این نتیجه رسیده است که بین نابرابری درآمدی و انواع بزه رابطه معنا داری وجود دارد.

استودارد^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان تاثیر شبکه های مجازی در تمایل به ماری جوانا (مورد مطالعه کشور آمریکا) به این نتیجه رسیده است که در صورت دسترسی آسان در تهیه ماری جوانا، تمایل به استفاده از آن به شدت افزایش می یابد.

محدوده مورد پژوهش

کلانشهر تهران: طبق آخرین سرشماری، کلانشهر تهران دارای ۸ میلیون و ۶۷۹ هزار و ۹۵۹ نفر جمعیت است که از این جمعیت ۴ میلیون ۳۶۴ هزار و ۷۵۴ نفر را زنان و ۴ میلیون و ۳۱۵ هزار و ۲۰۵ نفر را مردان تشکیل می دهند. طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز ملی آمار کشور، تعداد خانوارهای پایتخت ۲ میلیون و ۹۰۷ هزار و ۲۴ خانوار است. پیش بینی می شود جمعیت شهر تهران تا سال ۱۴۰۰ در حدود ۱۰ میلیون شود. تهران بزرگترین کلانشهر ایران و یکی از پر جمعیت ترین کلان شهرهای جهان است. نگاهی به وضعیت شهرنشینی در ایران نشان می دهد که از هر ۱۰۰ نفر، ۱۱ نفر در شهر تهران زندگی می کنند؛ یعنی ۱۱ درصد ایرانی ها در تهران زندگی می کنند. کلانشهر تهران از نظر تقسیمات شهرداری دارای ۲۲ منطقه است، بخش مرکزی تهران و نیمه جنوبی شهر به دلیل بافت ریزدانه، تراکم بالای جمعیتی را داراست و میزان بافت پر شهری آن در مقایسه با متوسط شهر تهران حدود دو برابر است. بر اساس شکل شماره ۱، بیشترین میزان فضای عمومی و باز در منطقه ۲۲ و کمترین میزان در مناطق ۷، ۸ و ۱۷ وجود دارد. در مقایسه نسبت بافت های پر و ساخته شده به فضای باز و عمومی، غلبه بافت پر به فضای باز در مناطق ۱۴، ۷، ۸ و ۱۷ مشهود است.



شکل شماره ۱- موقعیت و نسبت بافت های پر و ساخته شده مناطق ۲۲ گانه تهران

1. Okpokwasili

2. Stoddard

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و با جهت گیری اکتشافی از نوع کیفی است. استراتژی مورد استفاده در این تحقیق، نظریه پردازی داده بنیاد کلاسیک (گلنزی) می باشد. نظریه پردازی داده بنیاد، یک روش شناسی "استقرایی" کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می آورد تا گزارشی نظری از ویژگی های عمومی موضوع پرورش دهد، درحالی که به طور همزمان، پایه این گزارش را در مشاهدات تجربی داده ها محکم می سازد (مارتین و تیونر^۱، ۱۹۸۶: ۱۴۱). داده هایی که توسط نظریه پرداز داده بنیاد برای تشریح فرآیند ها جمع آوری می شود، شامل انواع بسیاری از داده های کیفی است، از جمله مشاهدات، گفت و شنود ها، مصاحبه ها، اسناد دولتی، خاطرات پاسخ دهندگان و مجلات و تأملات شخصی خود پژوهشگر (کرسول^۲، ۲۰۰۵: ۴۰۵). نظریه پردازی داده بنیاد در نمونه برداری هدفمند افراد برای مصاحبه یا مشاهده، از نگرشی منحصر به فرد حمایت می کند که آن را از دیگر رهیافت های کمی و کیفی به جمع آوری داده ها متمایز می سازد. ازسویی برخلاف نمونه برداری انجام شده در بررسی های کمی، نمونه برداری نظری نمی تواند قبل از شروع مطالعه و نظریه پردازی داده بنیاد، برنامه ریزی شود و تصمیمات خاص نمونه برداری در خلال فرآیند پژوهش شکل می گیرند (استراوس و کربین^۳، ۱۹۹۹: ۱۹۲). نمونه برداری نظری، فرآیند جمع آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیل گر، به طور همزمان داده هایش را جمع آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده هایی را جمع آوری و در کجا آن ها را پیدا کند (گلنزی و استراوس^۴، ۱۹۶۷: ۴۵). معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه برداری نظری "کفایت نظری" مقوله ها یا نظریه است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۹).

جدول شماره ۱- روش شناسی پژوهش

نوع پژوهش	هدف		استراتژی پژوهش	روش گردآوری داده ها	جامعه آماری	روش نمونه گیری	حجم نمونه
	نتیجه	رویکرد					
بنیادی	اکتشافی	کیفی	نظریه داده بنیاد کلاسیک	مصاحبه بدون ساختار	روانشناسان و اساتید دانشگاه	هدفمند قضاوتی تا رسیدن به نقطه اشباع نظری	۲۱ نفر

مبتنی بر روش تحقیق انتخاب شده در این پژوهش از روش نمونه گیری هدفمند قضاوتی استفاده گردید که در آن تارسیدن به اشباع نظری نمونه گیری ادامه یافت و با ۲۱ نفر از خبرگان، مصاحبه بدون ساختار صورت گرفت یعنی مصاحبه شونده در آن آزاد است درباره هر آنچه به نظرش با اهمیت می نماید صحبت کند و معمولاً دخالت و نفوذ اندکی از سوی محقق در جریان مصاحبه اعمال می گردد. مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع خصوصیتی می باشد که رابطه نزدیک با حجم نمونه دارد و عبارت است از اینکه با ادامه جمع آوری داده ها، داده های جمع آوری شده تکرار داده های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی بدست نیاید. بنابراین تکرار نکات برجسته نشانه کفایت حجم نمونه می باشد. داده ها در سه مرحله باز، محوری و انتخابی کدگذاری گردید. کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی ها و ابعاد آن ها در داده ها کشف می شوند (لی^۵، ۲۰۰۱: ۴۹).

۱. Martin & Turner

۲. Creswell

۳. Strauss & Corbin

۴. Glaser & Strauss

۵. Lee

کدگذاری محوری فرآیند ربط دهی مقوله ها به زیرمقوله ها و پیوند دادن مقوله ها در سطح ویژگی ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل "محوری" نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می یابد (لی، ۲۰۰۱: ۴۹). در پایان در مرحله کدگذاری انتخابی مدل نهایی ترسیم می گردد.

به منظور اطمینان از روایی و پایایی پژوهش از دو روش تطبیق توسط اعضاء و بررسی همکار بهره گرفته شد:

۱. روش تطبیق توسط اعضاء: فرآیند تحلیل داده ها و مدل نهایی توسط مصاحبه شوندگان و مشارکت کنندگان در تحقیق (خبرگان) مورد بازبینی و تایید قرار گرفت.

۲. بررسی همکار: دو نفر از اساتید، یافته ها و مدل استخراج شده (مدل نهایی) را بررسی کرده و پس از اعمال نظراتشان، مدل نهایی مورد تایید قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان و متخصصین روانشناسی و اساتید دانشگاه است که بطور خلاصه به شرح زیر می باشد:

۱- اساتید دانشگاه های تهران در رشته های علوم اجتماعی، روانشناسی و حقوق با مدرک دکتری تخصصی

۲- روانشناسانی با حداقل ۱۰ سال سابقه کار مرتبط در کلانشهر تهران

در این پژوهش با روش نمونه گیری هدفمند قضاوتی با تعداد ۲۱ نفر از روانشناسان و اساتید دانشگاه که با موضوع آشنایی داشته و دارای اطلاعات غنی در این زمینه بودند مصاحبه صورت گرفت، هر مصاحبه با توجه به میزان جذابیت و اطلاع مصاحبه شونده از موضوع تحقیق، از ۲۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشیده و در یک جلسه انجام شده است.

یافته های تحقیق

در این تحقیق با ۲۱ نفر از خبرگان (اساتید دانشگاه و روانشناسان) مصاحبه بدون ساختار انجام گرفت که مشخصات زمینه ای آنان در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول شماره ۲- مشخصات زمینه ای خبرگان

کد	نوع جامعه آماری	جنسیت	سن	تحصیلات	مرتبه علمی / سابقه کار
کد ۱	استاد دانشگاه	آقا	۵۸	دکتری تخصصی	استاد
کد ۲	استاد دانشگاه	آقا	۴۸	دکتری تخصصی	دانشیار
کد ۳	استاد دانشگاه	آقا	۴۶	دکتری تخصصی	دانشیار
کد ۴	استاد دانشگاه	آقا	۴۴	دکتری تخصصی	دانشیار
کد ۵	استاد دانشگاه	آقا	۴۵	دکتری تخصصی	استادیار
کد ۶	استاد دانشگاه	آقا	۴۱	دکتری تخصصی	استادیار
کد ۷	استاد دانشگاه	آقا	۳۸	دکتری تخصصی	استادیار
کد ۸	استاد دانشگاه	خانم	۴۷	دکتری تخصصی	دانشیار
کد ۹	استاد دانشگاه	خانم	۳۹	دکتری تخصصی	استادیار
کد ۱۰	روانشناس	آقا	۴۹	کارشناسی ارشد	۲۴ سال
کد ۱۱	روانشناس	آقا	۴۸	کارشناسی ارشد	۲۱ سال
کد ۱۲	روانشناس	آقا	۴۶	کارشناسی ارشد	۱۷ سال
کد ۱۳	روانشناس	آقا	۴۴	کارشناسی ارشد	۱۷ سال

کد ۱۴	روانشناس	آقا	۴۵	دکتری تخصصی	۱۲ سال
کد ۱۵	روانشناس	خانم	۶۷	دکتری تخصصی	۳۲ سال
کد ۱۶	روانشناس	خانم	۵۶	کارشناسی ارشد	۳۰ سال
کد ۱۷	روانشناس	خانم	۵۵	کارشناسی ارشد	۲۸ سال
کد ۱۸	روانشناس	خانم	۴۴	کارشناسی	۲۱ سال
کد ۱۹	روانشناس	خانم	۴۹	دکتری تخصصی	۱۸ سال
کد ۲۰	روانشناس	خانم	۳۹	کارشناسی ارشد	۱۵ سال
کد ۲۱	روانشناس	خانم	۳۹	کارشناسی ارشد	۱۵ سال

کدگذاری

از همان اتمام اولین مصاحبه، فرایند کدگذاری باز آغاز می شود، خروجی مرحله کدگذاری باز، کدهای بنیادی (مفاهیم) است. در این مرحله، مطالب به دقت خوانده شده و به هر قسمت از داده ها (که ممکن است یک کلمه، خط یا پاراگراف باشند) یک برچسب اختصاص داده می شود. مصاحبه ها بدون ساختار انجام گرفته و سوال اصلی این بوده است که "از نظر جنابعالی عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران چیست؟" در جدول شماره ۳ نمونه ای از کدگذاری باز به همراه کد خبره و شماره کد باز استخراج شده از نظر خبره نشان داده شده است.

جدول شماره ۳ - نمونه ای از کدگذاری های باز

کد خبره	کد باز	عبارت
کد ۳(۵)	بزهکار بودن والدین	در صورتی که یکی از والدین سابقه ارتکاب جرم عمدی را داشته باشند احتمال گرایش فرزندان به ارتکاب بزه افزایش می یابد.
کد ۲۱(۱۲)	طرز نگرش	عوامل شخصیتی مثل طرز نگرش به طور مستقیم می تواند زمینه ساز ارتکاب جرائم باشد، طرز نگرش منفی از عوامل اصلی زمینه ساز ارتکاب جرائم است.
کد ۱۹(۱)	دوستان ناباب	افراد را می توان از دوستانشان شناخت، من در تحقیقاتی که در این زمینه انجام داده ام به این نتیجه رسیده ام که در موارد بسیاری علت انجام جرائم، دوستان ناباب بوده اند.
کد ۱۷(۲۴)	فشار گروه	فشار گروه بر افراد باعث انجام کارهایی می شود که شخص شاید اگر در این فشار قرار نگرفته بود اقدام به آن کار نمی کرد، این فشار می تواند هم از جانب دوستان باشد و هم از طرف جامعه.
کد ۱۲(۳)	قدرت نمایی	برخی جوانان فقط به جهت قدرت نمایی اقدام به کارهایی می کنند که جرم تلقی می شود، یکی از این جرائم که متأسفانه در بین جوانان رایج است دعوای دسته جمعی است که در برخی موارد عواقب ناگواری را به همراه دارد و آینده جوانان را تحت تاثیر قرار می دهد.
کد ۶(۲۷)	بیکاری	عوامل اقتصادی تاثیر زیادی بر انجام جرائم دارند، کسانی که فاقد شغل هستند و درآمدی ندارند بیشتر احتمال دارد دست به انجام جرائم بزنند.
کد ۸(۴)	مصرف مواد مخدر	به نظر بنده اعتیاد مسبب بسیاری از مشکلات جوانان است، مصرف مواد مخصوصاً از نوع صنعتی که متأسفانه آمار مصرف آن در بین جوانان هر روز بیشتر می شود، عامل بسیاری از جرائم است.
کد ۱(۷)	تراکم شهری	تراکم بالای کلانشهرها از جمله تهران به خودی خود باعث ایجاد ناهمگونی های زیادی می شود، این ناهمگونی ها می تواند زمینه ساز بروز جرائم گردد.

کدگذاری محوری فرآیند ربط دهی مقوله ها به زیرمقوله ها و پیوند دادن مقوله ها در سطح ویژگی ها و ابعاد است. در مرحله کدگذاری محوری با تحلیل کدهای بدست آمده از مرحله کدگذاری باز، مفاهیم، مقوله های اصلی و مقوله های فرعی تبیین می گردند. در این مرحله صرفا به کدگذاری مقوله اصلی و مقوله ها و زیرمقوله های مرتبط می پردازیم و دیگر داده های نامرتبط در نظر گرفته نمی شود. در این مرحله از کدگذاری شصت و چهار مفهوم در قالب پانزده مقوله فرعی و پنج مقوله اصلی سازماندهی گردید. پنج مقوله اصلی شامل مقوله های فردی، خانواده، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیای زندگی است. مفاهیم، مقوله های فرعی و اصلی به تفکیک در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

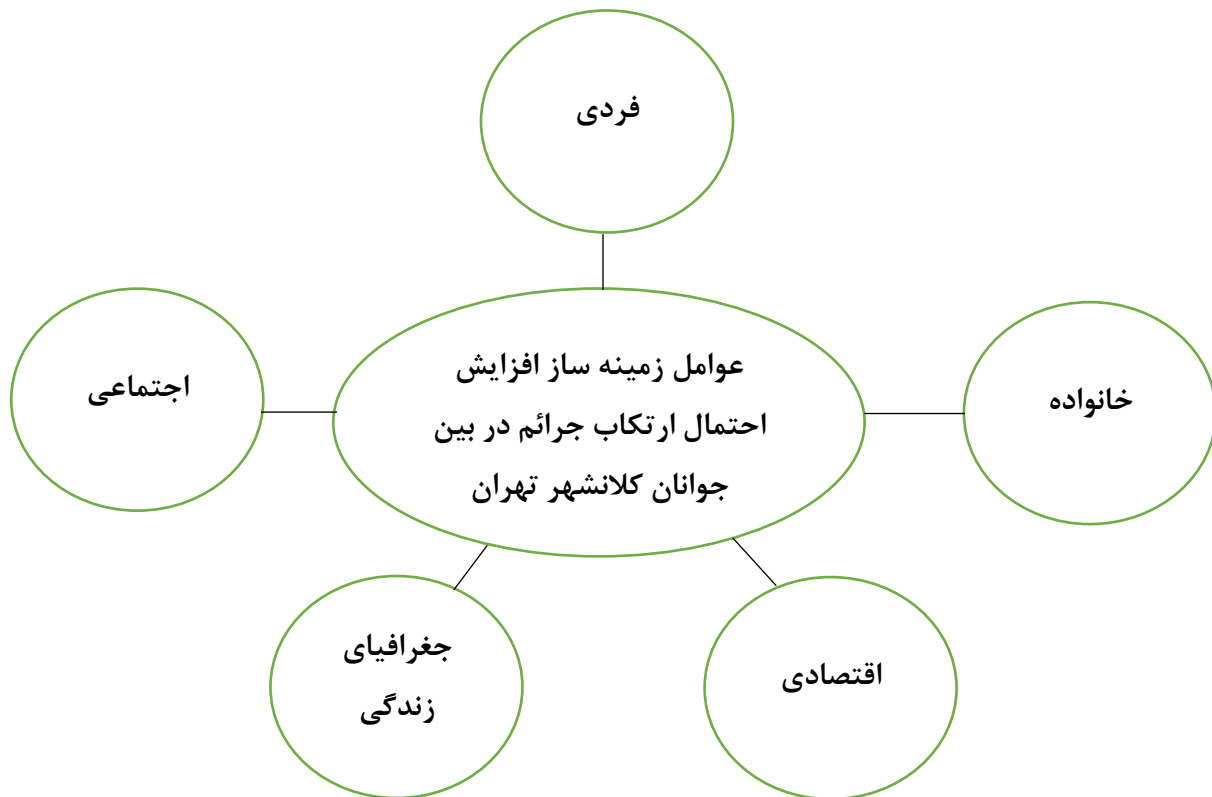
جدول شماره ۴- کدگذاری محوری

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم
فردی	روانی و شخصیتی	بی هویتی
		بلندپروازی
		لذت طلبی
		بیش فعالی
		احساس نابرابری
		شکست عاطفی
		احساس بی پناهی
		طرز نگرش
		نوع ادراک
		نداشتن اعتماد به نفس
		قدرت نمایی
		هیجان کاذب
		خودمحوری
		ترس و اضطراب
		بیماری های روانی
		تاب آوری پایین
		جلب توجه
	اعتیاد	مصرف مواد مخدر
		مصرف مکرر مشروبات الکلی
		کم آگاهی
	تربیتی	الگو برداری غلط
		ترک تحصیل
		عدم پابندی به ارزش های جامعه
	فرهنگی و مذهبی	فقر فرهنگی
		ضعف اعتقادات دینی
		کم توجهی والدین
خانواده	تحقیر روانی فرزندان	تبعیض بین فرزندان
		مقایسه جوان خود با دیگران
		نظارت ضعیف والدین
	نظارت والدین	حساسیت بیش از حد والدین
		بزهکار بودن والدین
		سوء استفاده از فرزندان توسط خانواده

تنبیه بدنی	بدرپرستی	اجتماعی
ناسازگاری و خشونت بین والدین		
مرگ والدین		
طلاق والدین	فقدان والدین	
عدم برخورد قاطع با متخلفین	نهادی و نظارتی	
کم کاری سازمان های ذیربط		
دسترسی آسان به مواد مخدر و مشروبات الکلی		
کمبود امکانات عمومی و تفریحی		
ناهمگونی جمعیتی	جامعه	
برچسب خوردن از طرف جامعه		
قربانی شدن		
تحقیر از طرف جامعه		
عدم حمایت اجتماعی		
دوستان ناباب		
فشارگروه		
استفاده نادرست از فضای مجازی	رسانه	
بازی های کامپیوتری خشن		
فیلم و کارتون با مضمون خشونت و بی بند و باری		
فقر		
بیکاری	عوامل کلان اقتصادی	اقتصادی
تورم و گرانی		
رکود		
توزیع ناعادلانه ثروت		
پایین بودن دستمزد		
عدم استقلال اقتصادی	عوامل فردی اقتصادی	
رفاه طلبی		
وضعیت آب و هوایی		
موقعیت محل سکونت	وضعیت سکونت	جغرافیای زندگی
تراکم شهری		
صنعتی بودن شهر		
حاشیه نشینی		
مهاجر بودن		

کد گذاری انتخابی

کد گذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و پالایش مقوله ها است، به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص در بین مقوله ها، آنها را برای ارائه و شکل دهی یک تئوری تنظیم می کند (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۵). برخلاف کد گذاری باز و محوری که به دسته بندی و طبقه بندی داده ها پرداختیم، در کدگذاری انتخابی مقوله ها به یکدیگر ارتباط داده می شود تا مدل نهایی عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران تبیین شود. مدل نهایی تحقیق در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است.



شکل شماره ۲- مدل نهایی عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران

فردی

یکی از عواملی که رابطه مستقیمی با ارتکاب جرائم توسط جوانان دارد عوامل فردی است، در این تحقیق بیشترین مفاهیم استخراج شده از مصاحبه با خبرگان متعلق به عوامل فردی می باشد. جوانان با توجه به کم آگاهی و بلندپروازی که اقتضای سن آنان است بیشتر در خطر ارتکاب جرم هستند، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی هم که متأسفانه در بین جوانان کلانشهر تهران گسترش پیدا کرده است احتمال ارتکاب بزه را افزایش می دهد. عوامل روانی مثل طرز نگرش منفی و ادراک نادرست نیز بر این موضوع تاثیرگذار است و موجب تشدید آن می گردد. یکی از خبرگان در این زمینه بیان می دارد:

... به نظر من بخش زیادی از عوامل ارتکاب جرم توسط جوانان به مسائل شخصیتی بر می گردد، عوامل شخصیتی مثل طرز نگرش به طور مستقیم می تواند زمینه ساز ارتکاب جرائم باشد، طرز نگرش منفی از عوامل اصلی زمینه ساز ارتکاب جرائم است. جوانی که از نظر شخصیتی دارای نگرشی منفی به جامعه و رخدادهای آن است به احتمال زیاد واکنشی نامناسب بروز داده که این واکنش می تواند در برخی موارد شدید و به شکل جرم باشد(مصاحبه شونده با کد ۲۱).

عوامل فردی مورد اشاره بسیاری از خبرگان این پژوهش بود، برخی خبرگان سست بودن اعتقادات دینی را از عوامل مهمی می دانستند که احتمال ارتکاب جرائم را افزایش می دهد، یکی دیگر از خبرگان این تحقیق بیان می دارد:

... جوانانی که اعتقادات قوی مذهبی دارند کمتر به سمت جرائم کشیده می شوند حتی اگر اطرافیان آنان بزهکار باشند. جوانان مومن حتی در محیط های آلوده نیز کمتر دچار تزلزل گشته و احتمال ارتکاب جرم به علت اعتقادات مذهبی بالا در آنان کم است، بالعکس جوانانی که اعتقادات مذهبی در آنان سست است احتمال ارتکاب جرائم در آنان بیشتر است (مصاحبه شونده با کد ۲).

با توجه به عوامل فردی، علت ارتکاب جرائم در بین جوانان می تواند بسیار گسترده باشد، بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی که به یگانگی افراد تاکید دارد با توجه به تجربیات و شخصیت هر شخص علت ارتکاب جرم می تواند متفاوت باشد، یعنی هر شخص برای ارتکاب جرم دلایل خاص خودش را دارد.

خانواده

یکی دیگر از ابعاد تاثیر گذار بر افزایش احتمال ارتکاب جرائم در جوانان خانواده است، خانواده از مهمترین عوامل ارضای احساسی و عاطفی ار آغاز تاریخ بشریت تا کنون برای اعضای جامعه بوده است. محققان اجتماعی براین باورند که جوامع متشکل از خانواده هاست و سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده بستگی دارد و به یقین سلامت و پویایی خانواده به کیفیت روابط بین زن و شوهر با یکدیگر و همچنین رابطه آنان با فرزندان در درون خانواده وابسته است. در واقع خانواده منبع اصلی انتقال مهارت های اساسی، رفتارها، عادات و میراث فرهنگی به فرزندان است. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می گذارد و اولین پایه های تربیت و تعلیم در آن گذارده می شود. وجود محبت و عاطفه در خانواده رمز سعادت و خوشبختی انسان است و کلید بسیاری از مشکلات و راه جلب احترام و رعایت حقوق دیگران است. در برخی از خانواده ها فقدان پدر و مادر و یا یکی از آنان به دلایلی مانند مرگ یا طلاق باعث تاثیرات منفی بر فرزندان می گردد و احتمال گرایش به ارتکاب بزه را در آنان افزایش می دهد، یکی از خبرگان در این زمینه بیان می دارد:

... والدین برای فرزندان مانند پناهگاهی امن هستند، فرزندان در صورت از دست دادن والدین چه به موجب طلاق یا مرگ یا هر حادثه دیگری احساس بی پناهی می کنند در این هنگام احتمال ارتکاب جرائم در آنان به دو دلیل بیشتر است، دلیل اول اینکه فرزندان از نظر روانی شرایط مناسبی نداشته و رفتاری پرخاشگرانه و عصبی دارند و دلیل دوم اینکه فقدان مادر و پدر که نقش نظارت و راهنمایی فرزندان را به عهده دارند خود احتمال ارتکاب جرائم را افزایش می دهد (مصاحبه شونده با کد ۳).

از دیگر عوامل تاثیر گذار بر جوانان در حوزه خانواده خشونت بین والدین است، به عقیده محققان کودکانی که در معرض مشاجره والدین خود هستند عصبی، پرخاشگر و مضطرب شده و نسبت به سایر همسالان خود از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند و در موارد شدید حتی به خودکشی هم فکر می کنند. به نظر یکی از خبرگان:

... مشاجره والدین در محیط خانواده و در حضور فرزندان باعث آسیب های روانی جبران ناپذیری بر آنان می گردد، این آسیب ها به شکل های مختلف مثل افت تحصیلی، پرخاشگری، بروز احساس گناه، ترس از ازدواج در فرزندان و در سنین بالاتر مصرف مواد مخدر بروز می کند، در صورت عدم توجه، این آسیب های روانی منجر به انجام جرائم از طرف جوانان می گردد (مصاحبه شونده با کد ۱۴).

اجتماعی

محیط اجتماعی از جمله عوامل تاثیر گذار بر رفتار جوانان است، نوع برخورد شهروندان با جوانان و یا نحوه عملکرد نهادها و سازمان ها تاثیر زیادی بر عملکرد جوانان دارد. نوع نگاه جامعه به جوان می تواند در جذب یا طرد او از جامعه موثر باشد. بر اساس نظریه برجسب زنی اگر یک برجسب منفی به فردی اطلاق شود، این امکان وجود دارد که فرد به برجسب جدید خود اعتقاد پیدا کند و حتی هویت خود را تغییر دهد تا متناسب با این برجسب جدید گردد. یک نتیجه عمده بدنامی، آن است که افرادی که برجسبی منفی خورده اند، نه تنها در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر می شوند بلکه آرامش خود را در همراهی با کسانی می یابند که به همان شکل، بیگانه قلمداد شده اند و در نتیجه به هم نشینی با آنان ترغیب می شوند، به اعتقاد یکی از خبرگان:

... جوانانی که مرتکب جرم می شوند و بخاطر آن مجازات می گردند به احتمال زیاد دوباره عمل خود را تکرار می کنند، علت آن برچسبی است که از طرف جامعه به این جوانان زده می شود، این برچسب بازگشت آنان به جامعه را دشوار کرده و در آنان علاقه به زیستن با مجرمانی مانند خود را افزایش می دهد (مصاحبه شونده با کد ۲۰).

رسانه و بازی های کامپیوتری نیز یکی از عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در جوانان است، بازی های خشن باعث افزایش پرخاشگری و خشونت در جوانان می گردد. پخش فیلم و کارتون با مضامین غیر اخلاقی و غیر فرهنگی از طریق ماهواره ها و فضای مجازی نیز خود از عوامل منفی تاثیرگذار بر روحیه و خلیات جوانان است. یکی از خبرگان در این زمینه بیان می دارد:

... دسترسی آسان جوانان و نوجوانان به فضای مجازی و ماهواره، یکی از عوامل زمینه ساز افزایش جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران است، این جوانان با الگوبرداری غلط از شخصیت های فیلم ها و کارتون ها و بدون در نظر گرفتن ارزش های جامعه رفتاری از خود نشان می دهند که مصداق تخلف و جرم است و این کار در اکثر مواقع به علت کم آگاهی جوانان به صورت سهوی از آنان سر می زند (مصاحبه شونده با کد ۵).

به اعتقاد جرم شناسان جنبه های نامطلوب برخی برنامه های تلویزیونی دارای اثرات بسیار شومی می باشد، به طوری که می توان از آنها به عنوان آفت های روانی یاد کرد.

اقتصادی

عوامل اقتصادی از دو دیدگاه قابل بررسی است، از دیدگاه کلان عواملی مانند تورم، گرانی و رکود که تمام جامعه را درگیر می کند و از دیدگاه فردی که به شخص مربوط است مثل پایین بودن دستمزد دریافتی، عدم استقلال مالی یا روحیه رفاه طلبی که همه این ها می تواند زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم به خصوص در جوانان باشد. جوانان به علت کم تجربه می ممکن است بخاطر بر طرف کردن احتیاجات خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دست به اقداماتی بزنند که بزه محسوب شده و آینده آنان را تحت تاثیر قرار می دهد. به عقیده یکی از خبرگان:

... فقر و بیکاری و مشکلات معیشتی از عوامل اصلی زمینه ساز ارتکاب جرائم است، نداشتن بضاعت مالی جهت گذران زندگی، جوانان را به سمت ارتکاب جرائمی مثل سرقت و کلاهبرداری سوق می دهد (مصاحبه شونده با کد ۷).

رفاه طلبی و تجمل گرایی نیز از عواملی است که می تواند زمینه ساز ارتکاب جرائم گردد، همانطور که پیش تر اشاره شد از نظر میلر (۱۹۵۸) جوانان قشر پایین جامعه با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات، بیشتر در معرض زمینه های ارتکاب به جرم قرار می گیرند، چرا که این طبقه در آرزوی یک زندگی خوب، دستیابی به امکانات بهتر را غیر ممکن می دانند و خواه ناخواه به سوی انواع جرم ها کشیده می شوند. به نظر یکی از خبرگان:

... یکی از عواملی که باعث ارتکاب جرائم توسط جوانان تهرانی می شود نبود روحیه ساده زیستی است، جوانان به جهت فرهنگ غلط جامعه که تجمل گرایی را ترویج می کند دچار رفاه طلبی شده و جهت رسیدن به خواسته های خود سعی دارند ره صد ساله را یک شبه برونند (مصاحبه شونده با کد ۴).

جغرافیای زندگی

رشد سریع جمعیت کلانشهر تهران و مهاجرپذیر بودن آن باعث ایجاد ناهمگونی جمعیتی و به تبع آن آسیب های اجتماعی گردیده، تراکم بالای جمعیتی و تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زمینه ساز بروز جرائم به خصوص در جوانان است، این موضوع در مکتب جامعه شناسی شیکاگو نیز مورد تایید قرار گرفته است. یکی از خبرگان در این زمینه بیان می دارد:

... کلانشهر تهران به جهت جمعیت زیاد و تراکم بالای شهری و وجود شهروندانی با موقعیت های اجتماعی و اقتصادی مختلف، می تواند بستر بسیاری از جرائم باشد. ناهمگونی جمعیتی در تهران به قدری گسترده است که به جرات می توان گفت از تمام شهرهای کشور، شهروندانی در

تهران زندگی می کنند و این ناهمگونی در صورت عدم مدیریت صحیح هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی می تواند زمینه ساز ارتکاب جرم توسط جوانان باشد (مصاحبه شونده با کد ۱).

یکی دیگر از نظریاتی که تاثیر وضعیت شهری بر ارتکاب جرائم را تایید می کند نظریه بی سازمانی اجتماعی است، نظریه ی بی سازمانی اجتماعی، جرم و خشونت را ناشی از بی سازمانی محلات می داند. بر طبق این نظریه پایین بودن کنترل اجتماعی غیر رسمی در محلات، کاهش همبستگی اجتماعی، ناهمگونی جمعیت، پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد محله موجب افزایش جرم و خشونت می شود.

متغیر تعدیلگر جنسیت

به اعتقاد خبرگان این تحقیق، تاثیر عوامل پیش گفته با توجه به جنسیت جوانان متفاوت است، یعنی حتی جوانانی با جنسیت متفاوت در یک خانواده که با یک مشکل واحد مواجه هستند رفتار متفاوتی از خود بروز می دهند. به اعتقاد خبرگان این تحقیق دختران کمتر دست به جرائم خشنی مثل سرقت مسلحانه، زورگیری و دعوای دسته جمعی می زنند و نوع ارتکاب جرائم آنان با پسران تا حدودی متفاوت است.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران به روش کیفی داده بنیاد کلاسیک بودیم. به یقین شناسایی این عوامل می تواند از آسیب دیدن این سرمایه های غیر قابل جایگزین و ارزشمند جلوگیری کند. در این پژوهش جهت دست یافتن به مدل نهایی تحقیق، مصاحبه های انجام گرفته با خبرگان در سه مرحله کدگذاری و در نهایت مدل نهایی پژوهش استخراج گردید. بر اساس یافته های این تحقیق پنج مقوله اصلی زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران شامل عوامل فردی، خانواده، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیای زندگی است، همچنین بیشترین مفاهیم استخراج شده مربوط به مقوله فردی می باشد.

طبق نتایج این پژوهش اعتیاد جوانان و بزهکار بودن والدین احتمال ارتکاب جرایم را در جوانان افزایش می دهد، این یافته ها نتایج پژوهش پورسینا، زهراکار، کیامنش و محسن زاده (۱۳۹۷) را تایید می کند. همچنین نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می دهد که استفاده نادرست از فضای مجازی بر افزایش احتمال ارتکاب جرائم توسط جوانان تاثیرگذار است که این نتایج با یافته های داودی دهاقانی، شمسایی و بارانی (۱۳۹۷)، خرازانی (۱۳۹۵) و استودارد (۲۰۱۲) همراستاست. بر طبق نظرات خبرگان این پژوهش عوامل اقتصادی مثل فقر، بیکاری و توزیع ناعادلانه ثروت احتمال ارتکاب جرائم را افزایش می دهد که این یافته ها نتایج پژوهش های عباسی نژاد، صادقی و رضانی (۱۳۹۳) و اوکیوکواسیلی (۲۰۱۶) را تایید می کند. در این تحقیق جنسیت به عنوان متغیر تعدیلگر شناسایی گردید که با نتایج تحقیقات خواجه نوری و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۵) همراستاست.

وقوع بزه در جامعه موجب اتلاف منابع در بخش های خصوصی و عمومی جهت مبارزه و کنترل جرم می شود و با تهدید امنیت اقتصادی و اجتماعی، انگیزه های تولید و سرمایه گذاری راکاهش می دهد و پیامد آن فقر و بیکاری است، افزایش فقر و بیکاری خود باعث افزایش احتمال ارتکاب جرائم می گردد. همانطور که مشخص است این فرآیند ادامه پیدا کرده و ارتکاب جرائم افزایش می یابد. همچنین در این تحقیق مشخص شد خانواده و جامعه نقش بسزایی در ارتکاب جرائم توسط جوانان دارند. نظارت ضعیف خانواده و یا بالعکس حساسیت بالای خانواده ها هر دو می تواند زمینه ساز ارتکاب جرائم باشد. عدم حمایت اجتماعی یا برچسب خوردن از طرف جامعه می تواند از عوامل طرد شدن جوانان و سوق پیدا کردن آنان به طرف ارتکاب جرائم باشد، شاید جوانان انجام بزه را نوعی انتقام گیری از جامعه به خاطر طرد شدنشان می دانند. جغرافیای زندگی نیز از عوامل تاثیرگذار بر احتمال ارتکاب جرائم است، عواملی مانند حاشیه نشینی یا سکونت در مناطق جرم خیز از عوامل افزایش احتمال ارتکاب بزه در جوانان است. با توجه به اینکه یکی از پایه های اصلی در جهت پیشرفت و ترقی جامعه در آینده و پیاده سازی برنامه های توسعه ای در کشور جوانان هستند، شناسایی مولفه های تاثیر گذار بر احتمال ارتکاب جرائم توسط جوانان تاثیر بسزایی در جلوگیری از هدر رفت این سرمایه ارزشمند دارد. مسلماً شناسایی مولفه های تاثیرگذار بر احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران کمک شایانی به مدیران و برنامه ریزان در جهت انجام وظایفشان خواهد کرد و همچنین باعث کاهش آسیب های اجتماعی و جرائم و به تبع آن کاهش بارکاری قوه قضائیه و نیروی انتظامی می شود. شایان ذکر است عوامل زمینه ساز افزایش احتمال ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران بسیار گسترده است و موارد استخراج شده از نظرات خبرگان در این پژوهش فقط بخشی از این مولفه ها را پوشش می دهد. امید است پژوهشگران عزیز با شناسایی هر چه بیشتر این مولفه ها باعث غنی شدن دانش در این حوزه گردند.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

* پیشنهاد می گردد با توجه به اینکه کم آگاهی به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم در بین جوانان کلانشهر تهران شناسایی شده است نیروی انتظامی با همکاری آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فناوری کارگاه هایی در رابطه با شناخت آسیب های اجتماعی و راه های برون رفت از آن در مدارس و دانشگاه ها برگزار کند و همچنین در صورت امکان با تشکیل کارگاه های آسیب شناسی، والدین نیز آموزش ببینند.

* پیشنهاد می گردد مراکز مشاوره اجتماعی در مدارس و دانشگاه ها تقویت شود، این کار به ریشه یابی مشکلات کمک شایانی می کند، همچنین ساعات بیشتری به فعالیت های ورزشی، اجتماعی و... در مدارس و دانشگاه ها اختصاص یابد.

* با توجه به نقش خانواده ها در تربیت و کنترل فرزندان پیشنهاد می گردد والدین بر مدت زمان و نحوه استفاده فرزندان خود از فضای مجازی نظارت کنند، همچنین با فرزندان خود رابطه ای گرم و صمیمی برقرار کرده و از خشونت، تنبیه و تحقیر آنان پرهیز کنند.

* پیشنهاد می گردد والدین الگوهای تربیتی صحیح در جهت برقراری رابطه مناسب با فرزندان را آموخته و از آسیب های اجتماعی که آنان را تهدید می کند آگاه شوند، همچنین از فرزندان بخواهند دوستان نزدیک خود را به والدین معرفی کنند و در صورت وجود دوستان ناباب در بین آنها، خانواده سریعاً مداخله نماید.

* به مسئولان و مدیران شهری کلانشهر تهران پیشنهاد می گردد نسب به ساماندهی حاشیه نشینان و همچنین افزایش امکانات عمومی برای این قشر اقدام نمایند، همچنین پیشنهاد می گردد همه سازمان ها و همچنین شهروندان نسبت به کاهش نابرابری و بی عدالتی در جامعه اهتمام ورزند.

منابع

۱. پورسینا، محمد؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۷). مدل مفهومی عوامل روانی- اجتماعی زمینه ساز ارتکاب جرم، ارائه یک مطالعه داده بنیاد. دوفصلنامه پژوهشهای جامعه شناسی معاصر. ۷(۱۳)، صص ۱۵۱-۱۸۱.
۲. پوراحمد، احمد و کلانتری، محسن (۱۳۸۱). نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتكابی شهر تهران. پژوهشنامه علوم اجتماعی. ۱۰(۲۰). صص ۵۳-۶۹.
۳. پورموسوی، موسی؛ زنگنه شهرکی، سعید؛ احمدی فرد، نرگس و عبدی، ناصح (۱۳۹۰). تأثیر بلند مرتبه سازی بر میزان جرائم شهری (مطالعه موردی: مناطق بیست و دوگانه تهران). پژوهش های جغرافیای انسانی. ۴۳(۷۷). صص ۶۱-۷۳.
۴. تقوایی، علی اکبر؛ رفیعیان، مجتبی و رضوان، علی (۱۳۹۰). تحلیل رابطه بین مؤلفه های کاربری زمین با کاهش جرایم و ناامنی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهر تهران). پژوهش های جغرافیای انسانی. ۴۳(۷۷). صص ۱۹-۳۸.
۵. حسینی نثار، مجید؛ قاسمی، علی (۱۳۹۱). "بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن در کشور"، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، اردیبهشت ۱۳۹۱، مشهد مقدس.
۶. حسینی، سیدمحمد و متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۳۹۱). بررسی نظریه برجسب زنی با نگاه به منابع اسلامی. فصلنامه حقوق. ۴۲(۴)، صص ۱۱۷-۱۳۶.
۷. خرازانی، سید حمید (۱۳۹۵). رابطه استفاده از فضای سایبر با گرایش دانش آموزان به خشونت. فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی. ۱۱(۴۱)، صص ۱۶۱-۱۸۴.
۸. خواجه نوری، بیژن و زارعی محمودآبادی، علیرضا (۱۳۹۵). رابطه سرمایه اجتماعی و جرم جوانان (مورد مطالعه: جوانان شهر یزد). فصلنامه پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۵(۱۲)، صص ۱-۱۴.
۹. دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی (۱۳۸۶). استراتژیهای پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. دوفصلنامه اندیشه مدیریت. ۱(۲)، صص ۶۹-۹۷.
۱۰. داودی دهقانی، ابراهیم؛ شمسایی، مهدی و بارانی، محمد (۱۳۹۷). رابطه شبکه های اجتماعی مجازی با ارتکاب جرائم خشن. فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی. ۱۳(۴۹)، صص ۶۵-۹۰.
۱۱. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۷). جامعه شناسی کجروی (ویراست دوم). قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (چاپ چهارم).
۱۲. قاسمی، یارمحمد؛ صداقت زادگان، شهناز؛ ملکشاهی، مالک و پنجستونی، بهرام (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نزاع فردی در بین جوانان شهر ایلام، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۰(۵۹)، صص ۱۸۳-۲۱۱.
۱۳. صادقیان، سید مالک؛ اسدی، حسین و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی پدیده خشونت در بین جوانان. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۲(۲۱)، صص ۴۳-۵۶.
۱۴. عباسی نژاد، حسین؛ صادقی، مینا و رضانی، هادی (۱۳۹۳). بررسی رابطه جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه. ۱۹(۳)، صص ۶۹-۹۱.
۱۵. مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴). آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات). تبریز: انتشارات نوبل.

۱۶. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاهها. شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و گلدوزیان، حسین (۱۳۹۷). جرمشناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۶(۲۳)، صص ۹-۴۶.
18. Cornish, D.B. & Clarke, R.V. (Eds.) (1986). "The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending", New York.
19. Creswell, J. W. (2005), Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
20. Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L (1967), The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research.
21. Lee, J. (2001), A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
22. Martin, Patricia Y. & Turner, Barry A. (1986), Grounded Theory and Organizational Research, The Journal of Applied Behavioral Science, 22(2).
23. Okpowasili, B. (2016). Income inequality: Impact of inequality measures on crimes: An analysis of the state of New Jersey. International Journal of Business and Social Research. Vol. 6 No. 4, pp12-27.
24. Stoddard, Sarah A. (2012). Permissive Norms and Young Adults' Alcohol and Marijuana Use: The Role of Online Communities, Published online 2012 Dec 2.
25. Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet (1999), Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques.